

غدير تنها يك واقعه تاريخي و كلامي نيست

واقعه غدير به اشاره همه مسلمانان، چه شيعه و چه سنی، اهميت بسزايی در مجموعه وقايع تاريخ اسلام از آغاز تا رحلت پيامبر(ص) داشته است.



واقعه غدير به اشاره همه مسلمانان، چه شيعه و چه سنی، اهميت بسزايی در مجموعه وقايع تاريخ اسلام از آغاز تا رحلت پيامبر(ص) داشته است.

البته اين واقعه نزد شيعيان معنای ويژه‌ای دارد و در واقع شيعه هويت راستين خود را از آن گرفته و در طول تاريخ خود تا به امروز به بازخوانی آن پرداخته است. اما اين واقعه با اين اهميت نمی‌توانسته بدون پيش‌زمينه‌ای بوده باشد. به همين دليل بسياری از مفسران و انديشمندان مسلمان در درجه اول آیاتی را که در تأييد اين واقعه بر پيامبر(ص) نازل شده‌اند، به بحث و بررسی گذاشته‌اند.

برخی از اين آیات در بين مفسران سنی نیز محل بحث و بررسی بوده‌اند. انديشمندان و علمای شيعه با تفسير اين آيه‌ها و همچنين نقل رواياتی از ائمه به موازات واقعه تاريخی غدير، گفته‌اند که مقصود پيامبر از گرد آوردن مردم در آخرين سفر حج خود و شناساندن علی(ع) به مردم به‌عنوان مولی، به امري فراتر از دوستی يا حب حضرت اشاره دارد. شيعيان بر اين نظر هستند که پيامبر(ص) با اين کار می‌خواستند پيام مهم و سرنوشت‌سازي به امت اسلامی بدهند و اين پيام چيزی جز ضرورت استمرار و تداوم ولايت ايشان نبوده است.

در زمينه بازخوانی غدير در پرتو آیات و روايات به سراغ دکتر مجيد معارف، استاد دانشگاه تهران و پژوهشگر قرآن، تاريخ و معارف اسلامی رفتيم و با وی در اين باره و اهميت اين واقعه به گفت‌وگو پرداختيم. لازم به يادآوری است که دکتر معارف، کتاب غدير در کتاب و سنت را در کارنامه پژوهشی و علمی خود دارد.

• در ميان وقايعی که از آغاز دعوت پيامبر اسلام(ص) تا هنگام رحلت ايشان رخ داده بود، واقعه غدير از جایگاه و شأن ويژه‌ای برخوردار است. علت اين امر به اين برمی‌گردد که پيامبر(ص) در آخرين روزهای عمرشان، علی(ع) را به جانشینی خود برگزيدند و در اجتماع حج آن را به مردم ابلاغ کردند. در واقع پيامبر(ص) با اين کار خود، ولايت خویش را تداوم بخشيدند. شما به‌عنوان پژوهشگر معارف اسلامی، جدای از آنچه گفته شد، چه نگاهی به غدير داريد و چه شأنی برای اين واقعه قائل هستيد؟
قطعا واقعه غدير یکی از وقايع بسيار مهم و اساسی و فراموش نشدنی تاريخ اسلام است. ما می‌توانيم اهميت اين واقعه را در برخی از بازتاب‌ها مشاهده کنيم. اگر کتاب الغدير علامه‌امینی را که عنوان اصلی‌اش «الغدير فی الکتاب والسنت و الادب» است بخوانيد، متوجه اين بازتاب‌های گسترده می‌شوید. علامه امینی در اين کتاب گرانبه‌تر به بررسی واقعه غدير و ریشه‌های آن در قرآن، سنت، روايات و ادبيات پرداخته است. علامه امینی در اين کتاب تلاش دارد تا از هر قرن، غديره‌سرايان برجسته را شناسایی کند؛ از قرن اول هجری يعنی حسان بن ثابت گرفته تا قرن‌های اخير و نزديک به زمان خودش. علامه به دنبال شناسایی اين شاعران، نمونه‌ای از سروده‌های غديری آنها را برای آگاهی خوانندگان آورده است. در اینجا می‌خواهم به اين نکته اشاره کنم که اگر حادثه‌ای مهم و اساسی نباشد وارد ادبيات و فرهنگ مردم نمی‌شود، چنان که ابوریحان بیرونی در کتابش اشاره می‌کند که مسلمانان به‌ويژه شيعيان سالگرد واقعه غدير را جشن می‌گیرند. بنابراین از زمان‌های قديم اين واقعه بزرگ داشته شده و جشن گرفته می‌شده است. طبیعی است که وقتی پيامبر(ص) در واقعه غدير برای مسلمانان پس از خودشان تعيين تکليف می‌کنند تا امور مسلمانان دچار هرج و مرج نشود، اين واقعه از اهميت شايان توجهی برخوردار می‌شود.

در اینجا می‌خواهم خوانندگان را به اين نکته مهم توجه دهم که اگر ما واقعه غدير را درنظر نگیريم يا پيام آن را به رسميت نشناسيم و آن را امر ساده‌ای مبنی بر اینکه پيامبر، مسلمانان را تنها به دوستی با علی(ع) توصيه کردند، بپنداريم، چگونه می‌توان حوادث بعدی و نیز رفتارهای مسلمانان را توجيه کرد؟ نکته اينجاست که پس از رحلت پيامبر(ص) برخی مسلمانان شتابزده و آشفته به مکانی به نام سقيفه بنی‌ساعده رفتند تا رهبری تعيين کنند. خود مسلمانان در آن زمان می‌گفتند که انتخاب اين رهبر ناگهانی بوده و از اين رو، اين انتخاب خیلی هم نمی‌توانست برای آنها ایده‌آل باشد. هميشه از زبان خليفه دوم نقل می‌شد که بيعت با خليفه اول(ابوبکر) دفعتا و ناگهانی بوده است. پس حاصل انتخاب مردمی هم چيزی نبود که با رضایت و خشنودی از آن سخن برود. پس سؤال اساسی اين است که آیا اين، همه آن تقديری است که خداوند برای امت اسلامی انديشيده و از پيامبر خواسته بود که به مردم ابلاغ فرمايد؟ واقعا هيچ عقلی نمی‌تواند اين را باور کند. از اين رو، واقعه غدير يك واقعه اساسی و حساب‌شده و درواقع در نقطه نهایی، تکامل يافته اقدامات پيامبر(ص) است.

• برداشتم از سخنانی که گفتيد اين است که شما مهم‌ترين وجه پيام غدير را پيريزی يك سامان سياسی و اجتماعی برای جامعه اسلامی پس از پيامبر می‌دانيد. ضرورت بنیان اين بنای سياسی و اجتماعی چه بود؟

قطعا همینطور است، این معنا از غدیر به دست می‌آید. از سوی دیگر تحقق عینی بسیاری از آیات قرآن در گرو همین واقعه است؛ مثل آیاتی که بر مسئله امامت تأکید دارند. خداوند به حضرت ابراهیم(ع) در قرآن می‌گوید که «انی جاعلک لناس اماما قال و من ذریتی قال لا ینال عهدی الظالمین». به شهادت مفسران وقتی خداوند به حضرت ابراهیم خطاب کرد که من تو را امام قرار دادم، ایشان برخورداری از سمت نبوت و رسالت بود و افزون بر این به درجه‌ای رسید که عبارت باشد از درجه امامت. امام صادق(ع) در منا در ضمن سخنی اشاره می‌کنند که پیامبر علاوه بر نبوت و رسالت شأن، یک‌شأن امامتی داشته‌اند. پس می‌توان گفت که رحلت پیامبر(ص) در واقع ختم شأن نبوت و رسالت ایشان بوده اما شأن امامت ایشان می‌بایست استمرار پیدا کند. این استمرار با واقعه غدیر تحقق پیدا می‌کند.

• به آیات و روایاتی در تأیید واقعه غدیر اشاره کردید. شما کتابی هم با عنوان غدیر در کتاب و سنت نوشته‌اید. از شما می‌خواهم که به برخی از آیاتی که به نوعی بر اهمیت واقعه غدیر تأکید دارند، اشاره کنید و به تحلیل آنها بپردازید؟
آیه 67 سوره مائده را در نظر بگیرید که می‌گوید: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتی». در این آیه می‌فرماید که اگر آنچه را که به تو گفتیم ابلاغ نکنی، رسالت الهی را انجام ندهای. جالب اینجاست که در ادامه می‌گوید که در ابلاغ این دعوت، واهمه به خودت راه نده؛ چرا که خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند. این را با آیه سوم سوره مائده مقایسه کنید که می‌فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم». در اینجا معلوم می‌شود که پیامبر اسلام آن مأموریتش را انجام داده است زیرا پیش از آنکه آن مأموریت را انجام بدهد، ایشان فمابلغت رسالتی را می‌شنیده است. اکنون به پیامبر گفته می‌شود که ما امروز دینتان را کامل و نعمت را بر شما تمام کردیم. امام محمدباقر(ع) ذیل این دو آیه، یعنی آیه سوم و آیه شصت و هفتم سوره مائده اشاره می‌کنند که آخرین فریضه‌ای که از قرآن کریم نازل شد و پیامبر(ص) هم موظف به ابلاغ آن بود، فریضه ولایت بود و پس از این فریضه دیگر فریضه‌ای نازل نشد تا اینکه خداوند فرمود: «امروز دینتان را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام».

قطعا آیه‌های زیادی در قرآن هست که مهر تأییدی بر این واقعه است؛ مثلا ما آیه‌ای با نام آیه اولی‌الامر داریم که در آن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی‌الامر منکم». در این آیه 3 گروه را واجب‌الاطاعه اعلام می‌کند: خدا، رسول و اولی‌الامر. حالا این آیه را مقایسه کنید با آیه 55 سوره مائده که می‌فرماید 3 گروه صاحب ولایت هستند: «انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون صلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون». مطابق این آیه 3 گروه حق ولایت بر مسلمانان دارند: خدا، رسول او و دسته‌ای از مومنان. برای این دسته از مومنان در این آیه یک نشانه به دست داده شده است؛ یعنی آنهایی که ایمان آوردند و نماز می‌خوانند و درحالی‌که در رکوع به سر می‌برند، زکات می‌پردازند. وقتی به تفاسیر رجوع می‌کنیم پی‌می‌بریم که مصداق این مورد علی بن ابی‌طالب(ع) بوده است. آیه 55 سوره مائده که ولایت را برای 3 گروه مستقر می‌کند، معادل همان آیه سوره نساء است که اطاعت بی‌قید و شرط و مطلق را برای 3 گروه می‌داند؛ یعنی خدا، رسول و اولی‌الامر. اولی‌الامر همان مومنان صاحب ولایت هستند. ولایت در اینجا به معنای دوستی نیست زیرا آیه می‌گوید که ولی شما خداوند است و در طول ولایت خدا ولایت پیامبر و در طول ولایت پیامبر(ص) ولایت دسته‌ای از مومنان است.

• منابع تفسیری اهل سنت چه واکنشی در قبال این آیه‌ها داشتند. آیا در اینگونه منابع به مسئله‌ای که گفتید، اشاره‌ای شده است؟

اکثر مفسران بزرگ اهل سنت از جمله زمخشری به این نشانه توجه کرده‌اند. این مفسران حتی این سؤال را مطرح کرده‌اند که اگر این آیه که می‌فرماید والذین آمنوا الذین یقیمون صلاه در مورد علی(ع) نازل شده است، پس چرا در آن جمع الذین آمده است، نه مفرد آن؟ امثال زمخشری سعی می‌کنند که با خلاقیت ادبی خود حتی به سؤالات پاسخ دهند. پس می‌بینیم که تا به این پایه و اندازه این آیه‌ها در تفسیرهای اهل سنت مورد توجه بوده و درباره‌شان بحث می‌شده است. بنابراین آنها هم نزول آیه 55 سوره مائده درباره حضرت علی(ع) را به رسمیت می‌شناسند حتی خودشان را موظف به پاسخگویی در این باره کرده‌اند که مثلا یک آیه می‌تواند در مورد فردی نازل شود اما به صیغه جمع بیاید تا برای مومنان بعدی الگو باشد.

• یکی از مسائل مهمی که در ارتباط با واقعه غدیر وجود دارد، بحث در مورد معنای ولی و مولی است که در خطبه غدیریه، پیامبر مکرر به آن در پیوند با خودشان و علی(ع) اشاره می‌کنند. بی‌آنکه بخواهیم وارد برخی از جزئیات این مسئله بشویم که البته در جای خود اهمیت دارند، بفرمایید که آیا مفهوم ولی و مولی در معنا و مفهومی که پیامبر(ص) در این خطبه به آن اشاره می‌کنند، پیشینه داشته است؟

کلمه ولی و مولی قاعدتا مشترک لفظی است. به این معنا که کلمه‌ای است که در معناهای گوناگونی در زبان عربی به کار رفته است. مرحوم علامه امینی براین نظر است که این کلمه در ادبیات عرب دارای 20 معنای متفاوت است. وقتی کلمه‌ای دارای اشتراک لفظی است، چاره‌ای نداریم جز اینکه به قرائن توجه نشان دهیم. این قرائن است که می‌تواند یک معنا را بر معنای دیگر ترجیح بدهد. جالب است اشاره کنم که مولی در زبان عربی طیف گسترده معنایی از برده تا مالک و مدیر قابل تصرف را در بردارد. در این مورد، عقل به ما می‌گوید که برخی از این معانی اصلا نمی‌تواند مراد پیامبر در خطبه غدیریه باشد؛ یعنی آیا پیامبر(ص) می‌توانسته بگوید که هرکس من برده او هستم، علی هم برده اوست؟! در اینجا است که عقل برخی از احتمالات را به شدت کنار می‌گذارد. اما از آن طرف، بیشترین اختلاف در این است که آیا مولی به معنای دوست است یا به معنای مدیری که

حق تصرف دارد؟ شیخ محمدعبد و سید محمد رشیدرضا در تفسیر المنار نوشته‌اند که ولی در اینجا به معنای ولایت نصرت، مودت و دوستی است، برخلاف شیعه که می‌گوید، ولایتش به معنای زعامت و تصرف در امور است. اگر ما به خطابه غدیر خم و همچنین به زمینه‌چینی‌های پیش از آن، از جمله به این سؤال پیامبر از مردم که «من اولی منکم به انفسکم؟» توجه کنیم بهتر می‌توانیم به معنا و مصداق مولی پی ببریم. لازم است در اینجا به این نکته اشاره کنم که این سؤال پیامبر (ص) از مردم مسبوق به سابقه‌ای است. به این معنا که پیامبر این سؤال را بر مبنای آیه 5 سوره احزاب پرسیده است. در واقع آیه 5 سوره احزاب تکلیف ولایت پیامبر را مشخص کرده است: «النبی اولی بالمومنین بانفسهم». این آیه می‌گوید که تصرفی که پیامبر بر جان و مال مومنین دارد بیشتر از تصرف خودشان است. خب! اگر این موارد را لحاظ کنیم، شکی نمی‌ماند که مولی همان مفهوم و معنای انسان صاحب ولایت و اختیار و تصرف را دارد.

• به نظر شما واقعه غدیر در شکل‌گیری هویت شیعی و پایداری و تداوم آن تا به امروز چه نقشی داشته است؟
ما معتقدیم که شیعه چیزی جز اسلام راستین نیست. طبعاً ما شیعه را طایفه یا فرقه‌ای جدا از اسلام نمی‌دانیم. ما بر این نظر هستیم که 2 قرائت از صدر اول در میان مسلمانان رخ داد. از این رو این واقعه را نمی‌توان نادیده گرفت. اما طبعاً شیعیان با زنده نگه داشتن واقعه غدیر و همچنین واقعه تلخ عاشورا، تلاش کردند که هویت خودشان را حفظ کنند و نگذارند که پیام غدیر فراموش شود، همانگونه که پیام عاشورا ماندگار شد و حماسه حسین بن علی (ع) عنصر عزت‌خواهی را در میان مسلمانان نهادینه کرد. از این رو هم غدیر و هم عاشورا از ارکان تشکیل شیعه در تاریخ و مایه ماندگاری جریانی هستند که به نظر ما چیزی جز اسلام راستین محمدی نیست. بنابراین واقعه غدیر را صرفاً یک واقعه تاریخی و کلامی نمی‌دانیم. طبعاً در سالگرد غدیر، این واقعه باید باشکوه بازخوانی شود.